

## اشاعه فرهنگ ایثار و نقش آن در تحقق توسعه فرهنگی

فاطمه رادان<sup>۱</sup>

### چکیده

با نگاهی به مقوله توسعه، می‌توان فرهنگ را محیط مهمی برای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دانست که ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی با تحت تأثیر قرار دادن دیگر ابعاد توسعه، خود نیز مسیر توسعه را بهتر می‌پیمایند و با ارتباط شایسته با بخش‌های مختلف جامعه، امکان تحقق توسعه پایدار را فراهم می‌سازند. توسعه همه‌جانبه، برآیند رشد متوازن تمام عناصر جامعه است که این عناصر با کارکرد متناسب و ارتباط مؤثر با یکدیگر در جهت اهداف مادی و غیرمادی توسعه موجب رشد و تعالی جامعه می‌شوند. توسعه فرهنگی به دنبال تغییر در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان‌ها در شئون فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد. ایثار در مال و جان، ارزشی قابل توجه در فرهنگ‌ها محسوب می‌شود. امروزه با توجه به نقش بنیادین فرهنگ در زندگی اجتماعی انسان در حوزه توسعه، اشاعه فرهنگ ایثار در توسعه فرهنگی قابل تأمل به نظر می‌رسد. این پژوهش کیفی با استناد به منابع موجود، درصدد توصیف فرهنگ ایثار و نقش آن در تحقق توسعه فرهنگی صورت گرفته و نتیجه مبین آن است که فرهنگ و عناصر آن به شدت بر فرایند توسعه تأثیرگذارند و تحقق توسعه فرهنگی نیازمند رشد و گسترش فرهنگ ایثار به معنی ازخودگذشتگی در مال و جان اعضای جامعه است. ازاین‌رو تقویت و اشاعه فرهنگ ایثار نقش مهمی در تحقق توسعه فرهنگی جامعه دارد. تأکید بر رشد ارزش‌های انسانی به موازات رشد مؤلفه‌های مدیریتی، مالی، علمی و فناوری در جامعه، مسیر تحقق توسعه فرهنگی را هموارتر می‌سازد.

### واژگان کلیدی

ایثار، توسعه فرهنگی، فرهنگ.

## مقدمه

مباحث توسعه در بسیاری از علوم به‌ویژه علوم انسانی و اجتماعی همواره مورد توجه قرار گرفته‌اند. بخشی از توسعه به رشد مادی و عینی محدود می‌شود که نظر صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی را به خود جلب کرده است. در کنار توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه انسانی و توسعه فرهنگی نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کنند. پیش‌تر و پیش‌تر رشد و توسعه اقتصادی عامل پیشرفت جوامع به نظر می‌رسید و این عقیده به مرور متحول شد به شکلی که امروزه صاحب‌نظران توسعه معتقدند به موازات توسعه اقتصادی، رشد و توسعه در سایر ابعاد زندگی انسان نیز ضروری است. مفهوم توسعه فرهنگی توسط سازمان یونسکو در دهه ۶۰ میلادی در جهان رواج یافت. این سازمان در جلسات گوناگونی شرایط توسعه موزون و آگاهانه را به‌صورت برنامه‌ریزی آموزشی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در دستور کار خود قرار داد. توسعه فرهنگی از نظر سازمان جهانی یونسکو به معنی توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه باهدف تحقق ارزش‌های فرهنگی است، به شکلی که با وضعیت کلی توسعه انسانی، اقتصادی و اجتماعی جامعه هماهنگ باشد. توسعه فرهنگی را می‌توان فرایند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه یعنی نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و آداب‌ورسوم در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان‌ها خواهد بود. فرهنگ در بُعد عمومی نشأت گرفته از همان اندیشه تایلر است که «فرهنگ را مجموعه‌ای از توانایی‌ها، شناخت، باورها، اشیا، فنون، هنرها و قوانین می‌دانند که هر انسانی از جامعه‌ای که در آن عضو است، دریافت می‌کند» (فکوهی، ۱۳۷۹: ۲۴۵). در بُعد تاریخی فرهنگ به‌عنوان یک میراث انسانی - اجتماعی و سنتی مورد توجه قرار گرفته است؛ که نسل به نسل آن را توسعه داده‌اند و به سایر نسل‌ها اشاعه و انتقال داده شده است. در بُعد رفتاری فرهنگ را باید یکسری از رفتارهای مشترک نشأت گرفته از هنجارها و ارزش‌های جامعه دانست که افراد جامعه از همان کودکی به آموزش و یادگیری آن پرداخته‌اند؛ و در قالب فرایند اجتماعی شدن می‌توان آن را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. فرهنگ در قالب ارزشی اشاره به مجموعه‌ای از ارزش‌های جامعه و ضوابط اجتماعی می‌کند؛ که باید در یک جامعه برای رسیدن به سعادت و توسعه افراد، آن را به کار برد. ایثار به معنی مقدم دانستن دیگران بر

خود، از ارزش‌های فرهنگی است که در طول تاریخ زندگی بشر جلوه‌های گوناگونی داشته و همواره موجب رشد و تعالی انسان‌ها شده است. با توجه به اهمیت فرهنگ در توسعه فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار از یک‌سو و جایگاه ایثار در عناصر فرهنگی از سوی دیگر، این سؤال مطرح است که اشاعه فرهنگ ایثار چه نقشی در تحقق توسعه فرهنگی جامعه دارد؟ این پژوهش باهدف توصیف فرهنگ ایثار و نقش آن در توسعه فرهنگی جامعه صورت گرفته است.

### پیشینه پژوهش

در بین پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فرهنگ ایثار در طول سالیان اخیر، می‌توان به تحقیق قدمی کارمزدی (۱۴۰۰) با عنوان «جایگاه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت از منظر قران و روایات» اشاره کرد که به روش تحلیلی و توصیفی صورت گرفته که با بیان معنی و مفهوم ایثار و شهادت در قران و روایت، به توصیف اقسام ایثار، فواید ایثار و عوامل و موانع مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت پرداخته و ایثار و شهادت را رفتار هوشمندانه و هدفمند ذکر کرده است.

قاسم‌پور و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «اثرات فرهنگ ایثار و شهادت بر رفتار شهروند با تأکید بر نقش میانجی سرمایه اجتماعی» انجام داده‌اند. این تحقیق کاربردی و از نوع توصیفی پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد است. جامعه آماری آن شامل کارکنان دانشگاه ایلام به تعداد ۴۸۵ نفر است که ۲۱۵ نفر از آن‌ها به روش تصادفی ساده به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که فرهنگ ایثار و شهادت و مؤلفه‌های آن (عمل صالح و پرهیزکاری، مردم‌داری، عدم تعلق به دنیا و خدامحوری) هم به‌طور مستقیم و هم از راه تقویت سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروند سازمانی تأثیری معنادار و مثبت دارد.

ملکی، هاشمیان و آقا محمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای توسعه فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع): ابعاد و مؤلفه‌ها» به بررسی شاخص‌های فرهنگی پیشنهادی از سوی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی شامل اخلاق، عقلانیت، عدالت، هویت، سرمایه و نظم اجتماعی، وحدت و انسجام، استقلال فکری و ملی، کالا و خدمات فرهنگی، بهداشت جسمی

و روانی، تعاملات بین‌المللی، کرامت و آزادی انسانی و خانواده، در پرتو سخنان امام علی (ع) پرداختند و آشکار شد که توسعه و رشد فرهنگ اسلامی و عناصر تشکیل‌دهنده آن، زمینه‌ساز توسعه و تعالی حقیقی و همه‌جانبه جامعه اسلامی در تمامی عرصه‌ها می‌گردد؛ بنابراین، آموزه‌های اسلام نه تنها با مؤلفه‌های توسعه فرهنگی به‌عنوان پیش‌شرط اصلی هرگونه ترقی و پیشرفت، مشکلی ندارد بلکه مشوق نیز است. آنان معتقدند اگر همین آموزه‌ها به شکل اولیه و ناب خود در فرهنگ مسلمانان جریان یابد، یقیناً کالبد امت اسلامی رمق تازه‌ای می‌گیرد؛ عزت و شکوه واقعی خویش را بازمی‌یابد و از این طریق به مراحل عالی‌تری از پیشرفت و ترقی در ابعاد مادی و معنوی دست پیدا می‌کند.

محمدحسین پناهی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» با اشاره به چرخش فرهنگی در دهه‌های اخیر به تبیین فرهنگ، توسعه فرهنگ و توسعه فرهنگی و اهمیت آن‌ها برای توسعه یا پیشرفت اسلامی - ایرانی همه‌جانبه، متوازن و پایدار در جمهوری اسلامی ایران، پیشنهادهای نظری و عملیاتی نیز ارائه داده است.

سعادت (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نقش اسلام در توسعه فرهنگی» مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری و اهمیت توسعه فرهنگی را دعوت به تعقل، تأکید بر علم و اندیشه، پیوستگی میان دنیا و آخرت، تأکید بر نقش و اهمیت کار، حرمت اسراف و تبذیر، مذمت فقر، مبارزه با خرافات، باور به برخورداری از قدرت و عزت، اهمیت آزادی بیان و باور به تعامل فرهنگی و تأکید بر آن ذکر کرده است.

با توجه به تحقیقات انجام‌شده، تاکنون پژوهش‌های محدودی در زمینه توسعه، به‌ویژه توسعه فرهنگی با نگرش اسلامی صورت پذیرفته است. از این رو، انجام پژوهشی که بتواند به مؤلفه‌های اصلی توسعه فرهنگی بپردازد، امری ضروری است و این امکان را به وجود می‌آورد که در پرتو منابع فرهنگی و دینی، شاخص‌های توسعه فرهنگی شناسایی و تبیین شوند.

## روش پژوهش

روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی مبتنی بر دو بینش اثباتی - تجربی و تفهیمی - تفسیری است و در چارچوب این دو بینش، روش‌های کمی و کیفی و یا ترکیبی از آن‌ها برحسب موضوع و مسئله تحقیق بکار می‌رود. «پژوهش کیفی عمدتاً به صورت توصیفی است و پژوهشگر به فرایند معنی و درک حاصل از واژگان و تصاویر تمایل دارد؛ در واقع پژوهش کیفی یک پژوهش تفسیری و مبتنی بر روش‌شناسی تفسیری است و علت اصلی شکل‌گیری آن، اعتقاد طرفداران این نوع پژوهش به ضعف روش‌های اثباتی در بررسی پدیده‌های اجتماعی است. پژوهش کیفی می‌تواند همانند پژوهش کمی در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی از قبیل مطالعه زندگی افراد، تجارب زنده، رفتارها، هیجانات و احساسات آنان و همچنین عملکردهای سازمانی، تحرکات اجتماعی، پدیده‌های فرهنگی و تعاملات میان ملل بکار رود» (ساعی ارسی، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۱). «پژوهش کیفی به‌طور کلی در مورد کنش‌های اجتماعی، ادراکی انسان‌گرایانه و پدیدار شناختی دارد و از این رو هدف خود را تلاش برای دیدن از دیدگاه بازیگران انسانی قرار داده و در گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها از روش‌های انعطاف‌پذیری تری استفاده می‌کند. پژوهش کیفی مستقیماً و به‌طور مستمر، فرایندهای زمینه‌ای و بنیادی سلسله وقایع و موقعیت‌های مختلف را در توالی زمانی آن‌ها در نظر می‌گیرد و نشان می‌دهد که این وقایع و موقعیت‌ها چگونه به نتایج ویژه‌ای منجر می‌شوند» (حریری، ۱۳۸۵: ۱۰-۵). در این مقاله برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق حول محور فرهنگ ايتار و توسعه فرهنگي از منابع و اسناد موجود کتابخانه‌ای، بهره گرفته شده است.

## یافته‌های پژوهش

### توسعه

رشد اقتصادی به معنی افزایش شاخص‌های اقتصادی، نظیر تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه در یک دوره زمانی مشخص که بر کاهش فقر، نابرابری و بیکاری تأکید می‌کند. «توسعه اقتصادی فرایندی است که طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شوند، به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و

تغییراتی در زمینه تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۲). مفهوم توسعه سیاسی از جمله مفاهیمی است که در حوزه توسعه اهمیت دارد. «لوسین پای<sup>۱</sup> از توسعه سیاسی به عنوان تقویت کننده ارزش های دموکراسی نظام سرمایه داری غرب یاد می کند و مشارکت توده ای، وجود نظام های چندحزبی، رقابت های انتخاباتی، ثبات سیاسی و پرهیز از تنش در ساختار سیاسی را به عنوان شرایط لازم برای تحقق توسعه سیاسی می شناسد. توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۵۱). توسعه اجتماعی با توزیع مجدد منابع بر ارتقا سطح زندگی عمومی اعضای جامعه متمرکز است و با بهینه سازی تغذیه، بهداشت، مسکن، اوقات فراغت و آموزش موجب افزایش کیفیت زندگی می شود. «فرایند توسعه فرهنگی محصول سازوکارهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی است که به تدریج شکل می گیرد و به تدریج هم تغییر می کند و یا از بین می رود، در این نوع توسعه، فرهنگ از سطحی ساده و ابتدایی در یک سلسله مراحل متوالی به اشکال پیشرفته و تکامل یافته تری تبدیل می گردد» (تصدیقی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۸). در مطالعات جدید، توسعه انسانی بخش مهمی از توسعه محسوب می شود که بر پایه تربیت انسان ها شکل می گیرد. جیمز هکمن<sup>۲</sup>، معتقد است بسیاری از مشکلات جوامع به سطح پایین مهارت ها، توانایی ها و نابرابری در حال رشد در جامعه برمی گردد و حل این مشکل را یادگیری باکیفیت در کودکی و تقویت مهارت های مفید می داند. «مهارت ها، افراد را توانمند می کنند. آن ها ظرفیت هایی برای عمل هستند و این امکان را به مردم می دهند که بتوانند زندگی خود را شکل دهند، مهارت های جدید ایجاد کنند و شکوفا شوند. مهارت ها به طور ذاتی متعدد هستند و انواع و وظایف، به مهارت های مختلف در سطوح و نسبت های مختلف نیاز دارند. مهارت های شناختی شامل توانایی های ذهنی مورد استفاده در فعالیت های فکری مانند خواندن، نوشتن و حساب است. اصطلاح مهارت های غیر شناختی شامل ویژگی های شخصیتی، نگرش ها و انگیزه ها هستند. مهارت های شناختی و غیر شناختی به شدت تحت تأثیر محیط های

---

1. Pye, Lucian

2. Heckman, James

خانوادگی هستند. مهارت‌های شناختی برای موفقیت در زندگی لازم هستند، اما برای بسیاری از جنبه‌های عملکرد در زندگی اجتماعی، کافی نیستند و بخش قابل توجهی از شواهد نشان می‌دهد که مهارت‌های غیر شناختی در مقایسه با مهارت‌های شناختی دستاوردهای بیشتری در زندگی دارند» (منتظری و رنایی، ۱۴۰۱: ۶۲-۴۱). توسعه فرهنگی شکلی از توسعه مبتنی بر فرهنگ است در این رویکرد همه ابعاد جامعه ماهیت فرهنگی دارند. «همه ابعاد جامعه ماهیتی معنایی و نمادین داشته و انسان و همه فعالیت‌های او حاوی ماهیتی معنایی و نمادین خواهد بود، در این رویکرد همان اندازه که بخش فرهنگ حاوی ابعاد اقتصادی مهمی است، بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی و تولید و توزیع را به خود اختصاص می‌دهد، بخش اقتصادی هم حاوی ابعاد مهم فرهنگی است و در ساختن هویت، سبک زندگی، طرز تفکر و نگرش انسان‌ها اثرگذار است. سیاست اساساً ماهیت فرهنگی دارد چه سیاست داخلی و چه سیاست خارجی. فرهنگ با همه نهادها و رفتارها و هویت‌های اجتماعی درآمیخته است به عبارت دیگر هر چیزی فرهنگی است» (پناهی، ۱۳۹۳: ۲۳-۱). «بنیان همه فرهنگ‌ها، تصورات و اندیشه‌هایی است که مشخص می‌کنند چه چیزی مهم، ارزشمند، مطلوب و پسندیده است. این تصورات انتزاعی، یا ارزش‌ها، به آدمیان در تعامل با دنیای اجتماعی معنا می‌دهند و آن‌ها را هدایت می‌کنند. هنجارها قواعدی برای رفتارند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند. ارزش‌ها و هنجارها در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی‌شان شکل می‌دهند. ارزش‌ها و هنجارها ریشه‌های عمیقی دارند، اما می‌توانند در طول زمان تغییر کنند» (گیدنز و همکار، ۱۳۹۷: ۳۵). در فرایند جهانی شدن، تحقق توسعه پایدار که هدف اصلی همه جوامع است، تحت تأثیر دو مقوله تأثیرات جهانی و ویژگی‌های خاص هر کشوری قرار گرفته است. ذخایر فرهنگی جامعه با تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دیگر بخش‌های جامعه، توان تغییر و دگرگونی پیدا می‌کنند. ذخایر فرهنگی انباشتی از ارزش‌ها و هنجارهایی است که ریشه در تاریخ جامعه دارد. ایثار یا از خودگذشتگی از ذخایر فرهنگی کشور ایران است که در برهه‌های گوناگون تاریخی تجلی یافته است.

## ❖ توسعه فرهنگی

«توسعه فرهنگی با دو معنای کاملاً متفاوت بکار برده می‌شود: در یک معنا ترکیب «توسعه فرهنگی» ترکیبی اضافی است، واژه «فرهنگی» مضاف‌الیه برای توسعه است. در این صورت منظور توسعه کمی و کیفی فرهنگ و سیاست‌های مرتبط است. هدف توسعه فرهنگی فراهم آوردن اسباب دسترسی توده‌های مردم به فرهنگ و مشارکت آنان در زندگی فرهنگی است. بدین ترتیب دو عامل دسترسی و مشارکت اهمیت می‌یابد. با توجه به دو جنبه دسترسی و مشارکت در حوزه فرهنگ، در واقع توسعه فرهنگی یک فرایندی خواهد بود که در آن رشد و توسعه فرهنگی و رشد و تعالی انسانی هم‌زمان و دست‌به‌دست هم قابل تحقق است. بدین‌سان انسان در تلاش برای توسعه فرهنگی سبب رشد و تعالی و خودشکوفایی خودش می‌گردد؛ اما در ترکیب دیگر «توسعه فرهنگی» مفهوم «فرهنگی» صفت برای توسعه است و نه مضاف‌الیه. در نتیجه «توسعه فرهنگی» به این معنی است که «توسعه» باید «فرهنگی» باشد و ماهیت فرهنگی داشته باشد، یا توسعه باید مبتنی بر فرهنگ باشد. به عبارت دیگر، همه انواع توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید مبتنی بر فرهنگ باشد و ماهیت فرهنگی داشته باشد. با این رویکرد، در ابتدای امر در دهه هفتاد توجه به بُعد فرهنگی توسعه معطوف گردید، به این معنی که استفاده از داده‌های فرهنگی یکی از شرایط و عوامل اصلی موفقیت برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی متوازن است. با این نگرش پیشنهاد شد در برنامه‌های توسعه اقتصادی به بُعد فرهنگی آن‌ها توجه داشته باشیم؛ یعنی باید به پیامدهای فرهنگی برنامه‌های توسعه اقتصادی توجه داشته باشیم که از الگوهای توسعه اقتصادی نامناسب، وارداتی و تخریب‌کننده فرهنگ و هویت مردم استفاده نشود؛ و هم به این معنی که فرهنگ سهم بسزایی در رشد اقتصادی دارد، به طوری که بدون هماهنگی برنامه‌های توسعه اقتصادی با وضعیت و شرایط فرهنگی موجود جامعه، توسعه اقتصادی نمی‌تواند در بلندمدت موفق باشد. توسعه اقتصادی پایدار مستلزم در نظر گرفتن فرهنگ جامعه موردنظر و ویژگی‌های آن است. موضوع بُعد فرهنگی توسعه در دهه هشتاد میلادی به عوامل، متغیرها و آثار فرهنگی توسعه می‌پرداخت. فرهنگ را دیگر به عنوان بُعد کمک و یاری‌دهنده یا زینت‌بخش توسعه در نظر نمی‌گرفتند، بلکه به فرهنگ به مثابه بافت جامعه در ارتباط با توسعه و به عنوان نیروی درونی جامعه توجه



می‌کردند در این صورت باید عوامل فرهنگی به‌عنوان جزء لاینفک برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته شوند و به بسترهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی جامعه موردنظر توجه کامل بشود تا توسعه متوازن و پایداری امکان‌پذیر گردد. با این رویکرد بود که دهه ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ توسط سازمان یونسکو به‌عنوان دهه توسعه فرهنگی جهانی پیشنهاد شد تا این نگاه فرهنگی به توسعه، در سراسر جهان مورد توجه قرار گیرد و نگاه حاشیه‌ای به حوزه فرهنگ کنار گذاشته شود. در نگاه حاشیه‌ای به فرهنگ، هر زمان منابع مورد نیاز برای توسعه اقتصادی دچار مضمیق می‌شد از بودجه بخش فرهنگ کاسته می‌شد، چون این بخش اهمیت کمتری نسبت به سایر بخش‌های توسعه اجتماعی داشت؛ اما این تنها رویکرد به بحث توسعه فرهنگی نیست. رویکرد دیگر از بُعد فرهنگی توسعه فراتر رفته و اساساً توسعه مناسب را توسعه‌ای ماهیتاً فرهنگی می‌داند. به‌عبارت‌دیگر، برای اینکه توسعه واقعی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه‌ای تحقق یابد باید اساس آن فرهنگی باشد، نه اینکه مثلاً توسعه اقتصادی با بُعد فرهنگی باشد. این رویکرد با پذیرش پیش‌فرض‌های چرخش فرهنگی امکان‌پذیر است. در این رویکرد همه ابعاد جامعه، فرهنگی دیده می‌شود و هیچ نقطه‌ای از جامعه، اعم از اقتصادی و اجتماعی خارج از مقوله فرهنگ قرار نمی‌گیرد. جامعه انسانی جامعه‌ای فرهنگی دیده می‌شود که حاوی ابعاد فرهنگ اقتصادی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ سیاسی است؛ یا اینکه جامعه دارای اقتصاد فرهنگی و سیاست فرهنگی است. با این نگاه، همه ابعاد جامعه ماهیتی معنایی و نمادین داشته و انسان و همه فعالیت‌های او حاوی ماهیتی معنایی و نمادین خواهد بود» (پناهی، ۱۳۹۴: ۲۳-۱). «مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به‌منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان‌ها و همچنین آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه است» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴-۹).

## ❖ فرهنگ

لایپر<sup>۱</sup> در تعریف و تبیین فرهنگ، آن را در سه نظام مستقل تقسیم‌بندی و تشریح کرده است: نظام ایدئولوژیک: متشکل از تصورات، عقاید، ارزش‌ها و شیوه‌های استدلالی که انسان‌ها برای تعریف این‌که چه چیز نامطلوب است را می‌آموزند. این بخش یا نظام را او جزء روانی فرهنگ دانسته و تصور راجع به مابعدالطبیعه، دموکراسی، آزادی، صداقت، وفاداری، زیبایی و ارزش، آموزش و پرورش یا علم را قسمتی از نظام ایدئولوژیک فرهنگ می‌داند که آن را درونی می‌سازیم.

نظام فناوریک: متشکل از مهارت‌ها، حرفه‌ها و هنرهایی که انسان را قادر می‌سازند که کالاهایی را از مواد موجود تولید نمایند.

نظام سازمانی: این نظام متشکل از تمام آموخته‌هایی است که انسان را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثر رفتار خود را با کنش‌های دیگران هماهنگ نماید.

فرهنگ از نظر شاین<sup>۲</sup> هم در سه سطح مطرح است:

باورها و مفروضات: که عمیق‌ترین سطح و هسته فرهنگ است. او مفروضات را حقایق قطعی و غیرقابل بحثی می‌داند که به ادراکات، نحوه تفکر و احساسات نفوذ می‌کند.

ارزش‌ها و هنجارها: که اصول، اهداف و استانداردهای اجتماعی را نشان داده، دارای ارزش ذاتی بوده، ضوابط اخلاقی و معنوی را رسانده و با عواطف، احساسات و هیجانات موردحمایت قرار می‌گیرند. او ارزش‌ها و هنجارها را مبنای قضاوت در مورد آنچه درست یا نادرست است می‌داند.

مصنوعات: که سطح ظاهری فرهنگ بوده، قابل رؤیت، لمس و شنیدن و مبتنی بر مفروضات، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی هستند. شاین مصنوعات را دارای نمادهای زیر می‌داند:

نمودهای فیزیکی: آرم‌ها، آثار و طراحی‌های هنری، ساختمان‌ها، محوطه‌ها، لباس‌ها و اشیای مادی.

---

1. Lapier, Jean William

2. Edgar Schein

نمودهای رفتاری: مراسم و تشریفات، الگوهای ارتباطی، سنت‌ها، آداب و رسوم، پادشاه‌ها و تنبیه‌ها.

نمودهای شفاهی: حکایت‌ها و لطیفه‌ها، زبان فنی، اسامی و القاب، داستان‌ها، اسطوره‌ها، تاریخ، قهرمانان، جنایتکاران، استعاره‌ها.

به‌طورکلی هر فرهنگ شامل عواملی است که جنبه‌های مادی، ارزش‌های اجتماعی، مقررات، هنجارها و سرانجام باورها و مفاهیم ارزشی را در برمی‌گیرد. این عناصر و عوامل سازنده فرهنگ را می‌توان به عناصر و عوامل مادی و معنوی تقسیم‌بندی کرد. جداسازی عناصر فرهنگ اگرچه از نظر بررسی تحلیلی ضروری به نظر می‌رسد، ولی درنهایت معنای واقعی هر یک از عوامل در ارتباط با جنبه‌های دیگر مشخص می‌شود. با نگاه دقیق و ژرف‌اندیشانه می‌توان دریافت که نوعی ترتیب منطقی میان برخی از این عناصر وجود دارد؛ مانند آن‌که عقاید، پایه و مبنای ارزش و ارزش‌ها خود پایه و مبنای هنجارها به شمار می‌آید. از سویی نمادها، صنایع و دستاوردهای صنعتی یک ملت نیز متأثر از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن ملت هستند (نائینی، ۱۳۹۷: ۴۴-۳۴).

### فرهنگ ایثار

ایثار به معنی «بخشیدن، دیگری را بر خود برتری دادن و از خود گذشتن» (معین، ۱۳۸۶: ۴۵). «ایثار خوی نیکوکاران و شیوه نیکان است» (تمیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۴). «میل به‌فایده‌رسانی و خدمت به دیگران، جلوه‌ای از میل به‌حق است. رفتاری که از این محرک برمی‌خیزد، به‌قصد تقرب و در جهت کمک و خدمت به دیگران، همراه با از دست دادن نعمت، فرصت، عمر و امثال آن است» (سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۵-۱۳۹). ایثار در مفهوم کلی اعم از ایثار در مال، جان و آبرو به‌عنوان اصلی ارزشمند در همه جوامع و همه دوران، کارکردهایی دارد از جمله عزت‌بخشی، استقامت، مشارکت و امیدآفرینی در انسان‌ها که موجب رشد و اعتلای جامعه آنان می‌شود. ایثار در مقابل خودخواهی باهدف مدد به دیگران اعم از کمک مالی و ازجان‌گذشتگی از ارزش‌های متعالی فرهنگ‌ها، به‌حساب می‌آید. ایثار نقطه مقابل انحصارطلبی است. ایثار مراتب و درجات گسترده‌ای دارد. در فرهنگ و بینش شیعه، ایثار و بالاترین مرحله آن یعنی شهادت، تلاش و کوشش برای احیاء گسترش دین خدا و ارزش‌های انسانی به شمار

می‌رود و کسی که عمر خود را در این راه صرف و جان خود را در این راه تقدیم پروردگار کند اگرچه مرگ او در صحنه جنگ نیست اما باز هم شهادت است و چنین فردی شهید نامیده می‌شود. «مهم‌ترین سرچشمه تجلی و تداوم فرهنگ ایثار و شهادت در شیعه، عاشورا و شهادت امام حسین (ع) است. عاشورا تجلی تمام نمای حقیقت و واقعیت شهادت است و ادعیه زیارات، بهترین محمل بازگویی این حادثه عظیم تاریخ بوده‌اند. زیارت‌های مربوط به امام حسین (ع) و به‌خصوص زیارت عاشورا و زیارت وارث در طول تاریخ، همواره مسئله شهادت امام حسین (ع) را زنده نگه‌داشته است و آن را به‌عنوان یک فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵).

ایثار به معنی ترجیح دیگران بر خود از جمله ارزش‌های اکتسابی فرهنگ است که در فرایند اجتماعی شدن و با نهادینه شدن آن در اعضای جامعه، زمینه بروز رفتارها و هنجارهای مطلوب را فراهم می‌کند. ایثار در مال و جان از مفاهیم ارزشمند دینی نیز است. «در روایات اسلامی، ایثار به‌عنوان بالاترین مکارم اخلاقی، بالاترین مراتب نیکوکاری، بالاترین درجه ایمان و بهترین عبادت ارزش‌گذاری شده است. ایثار و از خودگذشتگی از مکارم اخلاق اجتماعی در زندگی و از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است» (سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۵-۱۳۹). ایثار در جامعه بخشی از سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود که به اعضای جامعه هویت می‌بخشد و هویت موجب تحکیم و انسجام فرهنگ ملی می‌شود. هویت و منش ملی با تأثیر بر ساختار و کارکردهای گوناگون جامعه، چگونگی ایفا نقش اعضای جامعه را معین می‌کند. با پذیرش این نکته که فرهنگ‌ها همواره در حال تغییرند و برآیند این تغییرات مسیر رشد و توسعه دیگر بخش‌های جامعه را فراهم می‌کند می‌توان به ارتباط مؤثر عناصر فرهنگی بر توسعه فرهنگی پی برد. ایثار در اشکال مختلف از ارزش‌های جامعه نشاءت می‌گیرد و در قالب الگوهای رفتاری متنوع، نمود عینی پیدا می‌کند. اشاعه فرهنگ ایثار موجب رشد و تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مقبول اعضای جامعه می‌شود.

فرهنگ ایثار با تقویت عزت‌نفس اعضای جامعه موجب هویت بخشی به آنان و افزایش همبستگی و بقاء جامعه می‌شود. نهادینه شدن ارزش ایثار در فرایند اجتماعی شدن و به دنبال آن گسترش فرهنگ ایثار در جامعه، تغییراتی در بُعد فردی و اجتماعی اعضای جامعه ایجاد

می‌کند. فرهنگ ایثار بخشی از سرمایه مادی و معنوی جامعه است که همه جوامع برای بقا و حفظ هویت و فرهنگ ملی خود با تأکید بر ارزشمند بودن فرهنگ ایثار درصدد انتقال آن به نسل‌های بعدی هستند. گسترش فرهنگ ایثار در مقابل تفکر خودمحوری و خودخواهی موجب ارتقا سطح ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و پایداری جامعه می‌شود. فرهنگ ایثار حاصل دستاوردهای نظری و فکری اکتسابی اعضای جامعه است که با تقویت و اشاعه ارزش‌ها و هنجارها، علاوه بر رشد و تعالی جامعه موجب تمایز و برتری بر دیگر جوامع می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

فرایند ارتقا و اعتلای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب را توسعه فرهنگی می‌نامند که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی انسان‌ها فراهم می‌سازد. شئون گوناگون فرهنگ همان نگرش‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، قوانین و ایدئولوژی است. توسعه فرهنگی یک جریان دائمی و یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه محسوب می‌شود که هم علت و هم معلول توسعه است و محوری‌ترین هدف در توسعه فرهنگی، کمال انسانی است. انسان مهم‌ترین و مؤثرترین عامل توسعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جایگاه خاصی برخوردار است و انسان توسعه‌یافته در پرتو رشد و تعالی ارزش‌های فرهنگی با به‌کارگیری منابع مالی، طبیعی، علمی و فناوری پیشگام توسعه پایدار به شمار می‌آید. مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به‌منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش علم و دانش و معرفت انسان‌ها و همچنین آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه است. توسعه فرهنگی ارتقای خلاقیت و نوآوری، افزایش حجم مبادلات فرهنگی، تعمیق نگرش‌ها و تقویت هویت فرهنگی است و رابطه فرهنگ و توسعه، تعامل‌زا و متقابل در نظر گرفته می‌شود؛ به عبارتی، فرهنگ مؤثر بر توسعه است. تأکید بر توسعه فرهنگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در چندین بند بیان شده است؛ از جمله طبق بند اول از اصل سوم، دولت موظف است محیط مساعد را برای رشد فضایل اخلاقی نظیر ایثار، فداکاری، برادری، اخوت، تعاون، راستی، درستی و شجاعت، بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با همه

مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند. در ارتباط با جایگاه فرهنگ در فرایند توسعه می‌توان دو وضعیت را در نظر گرفت: اگر توسعه را در مفهوم جامع و فرهنگ را در بُعد معنوی در نظر بگیریم، در این صورت توسعه فرهنگی یک بُعد از فرایند توسعه است که رابطه تعاملی با بُعد دیگر توسعه، یعنی توسعه مادی دارد، اگر توسعه در مفهوم جامع و فرهنگ در مفهوم عام، یعنی مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و دستاوردهای معنوی مورد نظر باشد، در این صورت توسعه و فرهنگ مفاهیم نسبتاً مشترکی پیدا می‌کنند که تمام شئون زندگی انسان را در برمی‌گیرند و از این منظر توسعه مترادف با توسعه فرهنگی است. توسعه فرهنگی با تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها شرایط مناسبی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. هنجارها یا رفتارهای تثبیت شده در جامعه از نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی نشأت گرفته و مبین میزان توسعه‌یافتگی جامعه است. پس می‌توان نتیجه گرفت که در فرایند توسعه، تغییر نگرش و ارزش‌ها در اولویت برنامه‌های توسعه قرار دارند. با رویکرد توسعه درون‌زا، حفظ هویت فرهنگی، تقویت و ترویج عناصر فرهنگی مثبت و تضعیف و طرد عناصر منفی فرهنگ جامعه، مانع اختلال فرهنگی و موجب رشد فرهنگی می‌شوند. کمال انسانی که مهم‌ترین هدف توسعه فرهنگی محسوب می‌شود در بردارنده ارزش‌هایی همچون ایثارگری است که بهترین فضایل انسانی و اسلامی به شمار می‌آید. ایثار در داشته‌های انسان که از پیامدهای مهم و ارزشمند توسعه فرهنگی است زمینه مساعدی برای تحقق توسعه فرهنگی فراهم می‌کند. با توجه به رابطه تعاملی توسعه فرهنگی جامعه با انسان توسعه‌یافته در جامعه به نظر می‌رسد که انسان، هم پرورده جامعه توسعه‌یافته و هم موجب توسعه جامعه می‌شود و عناصر و ارزش‌های فرهنگی نقش بنیادی در این فرایند دارند و عنصر فرهنگی ایثار از جنبه ارزشی و هنجاری نقشی مؤثر در این تعاملات دارد. نکته قابل تأمل این است که الگو ایثار در مفهوم وسیع در بُعد ارزشی و هنجاری در فرایند اجتماعی شدن اعضای جامعه، قابلیت کسب و ارتقا دارد. شناخت بیشتر دیگر فرهنگ‌ها با تأکید بر خصایص ارزشمند انسانی و تبیین عناصر و الگوهای فرهنگی ماندگار و سازگار با فطرت پاک انسانی در تاریخ بشر از جمله عنصر فرهنگی ایثار در مال و جان باهدف رشد و تقویت ارزش‌های انسانی در جامعه در تحقق توسعه پایدار ضروری و مفید به نظر می‌رسد. از این رو اهمیت نقش ایثار و اشاعه آن در زندگی انسان‌ها در همه سطوح

جامعه و آشنایی بیشتر با مصادیق عینی و عملی ایثار در زندگی با تأسی از بزرگان دینی، تاریخی و ملی و فراهم‌سازی امکان همکاری با نهادها و سازمان‌های حوزه فرهنگ و رسانه‌ها در راستای تقویت و اشاعه الگوهای ذهنی و رفتاری ایثار برای همه گروه‌های جامعه در قالب آموزش‌های رسمی و غیررسمی و بهره‌گیری از توان مؤثر و گسترده رسانه‌های اجتماعی پیشنهاد می‌شود.



## منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳). «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی». *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. شماره ۲۲: ۲۳-۱.
- تصدیقی، محمدعلی و فروغ تصدیقی (۱۳۸۵). «توسعه فرهنگی در ایران چالش‌ها و راهکارها»، *مهندسی فرهنگی*. شماره ۶ و ۷: ۵۸.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۹۵). *غررالحکم و دررالکلم*. چاپ هشتم، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ساعی ارسبی، ایرج (۱۳۹۰). *مهارت‌های نوشتاری پژوهش در علوم اجتماعی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- سالاریان، شاهرخ، سیدعبدالله اصفهانی و محمد شفیق اسکی (۱۳۹۸). «بایسته‌های مهندسی فرهنگ در جامعه از منظر قرآن با تأکید بر نقش فرهنگ ایثار». *شاهد اندیشه*. شماره ۱: ۱۷۵-۱۳۹.
- سعادت، عوض علی (۱۳۹۲). *نقش اسلام در توسعه فرهنگی*. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳). *آموزش دین*. چاپ ششم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ حسین صفرزاده، مهدی خادمی (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی با نگرشی بر پایان‌نامه نویسی*. چاپ پنجم. تهران: نشر برآیند پویا.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۹). *درآمدی بر انسان‌شناسی*. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- قاسم‌پور، حامد؛ کرم خلیلی و مجتبی یاسینی‌فرد (۱۳۹۸). «اثرات فرهنگ ایثار و شهادت بر رفتار شهروند سازمانی: تبیین نقش میانجی سرمایه اجتماعی». *فصلنامه مطالعات منابع انسانی*. شماره ۳: ۱۲۴-۱۰۱.
- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. چاپ سیزدهم. تهران: نشر نی.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. چاپ سوم. تهران: نشر زرین.
- ملکی، حسن؛ فخرالسادات هاشمیان و جواد آقامحمدی (۱۳۹۴). «راهبردهای توسعه فرهنگی از دیدگاه امام علی(ع): ابعاد و مؤلفه‌ها». *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*. شماره ۲: ۳۴-۹.
- منتظری، زهرا و محسن رنانی (۱۴۰۱). «توسعه انسانی و شکوفایی انسانی: تأکیدی بر اهمیت مهارت‌های غیرشناختی». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*. شماره ۹۰: ۶۲-۴۱.
- نائینی، علی محمد (۱۳۹۷). *درآمدی بر مدیریت فرهنگی*. چاپ سوم. تهران: نشر ساقی.